

Abstract

In the law of our country, one of the conditions for the validity of any contract is to know the subject of the transaction in full and in detail (this principle is one of the rational principles that the holy shari'a of Islam has emphasized. However, our legislator has exceptionally considered concise knowledge to be sufficient for the accuracy of some cases, the definitions and examples of which are vague and controversial in our law. In this research, cases of general knowledge have been discussed in the topics of hudud, ta'zir, qisas, and diyat waqt. One of the important innovations of the Islamic Penal Code 92 is Article 477 of this law. This article stipulates: In cases of general knowledge of committing a crime, by one of two or more specific people, if there is dirt on some parts of the general knowledge, according to the swearing-in materials in this regard, and in the absence of dirt, the right holder can swear allegiance to the defendants. If everyone swears, in the case of murder, the ransom will be paid from the treasury, and in the case of non-murder, the ransom will be received in equal proportions from the accused. Considering that in the sentence of this article, there is a difference between the effect of science (creation of filth and non-filth), the type of crime, (murder and non-murder) and the source of science, (confession and non-confession).

Keywords: Overview, Judgment, Oath.

ریسک و نحوه مدیریت آن در راستای ارتقای بانکداری اسلامی

سلمان غیثی^۱سید حسام‌الدین حسینی^۲حسن حیدری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۸

چکیده

عدم اطمینان، عنصری ذاتی در تمام فعالیت‌های اقتصادی به شمار می‌آید. نظام مالی و بانکداری اسلامی نیز همانند سایر فعالیت‌های اقتصادی و بانکداری متعارف با انواع ریسک روبرو می‌باشد که مدیریت آن برای کسب هدف مطلوب بسیار حائز اهمیت است. به دنبال تجهیز منابع و تخصیص آن به فعالیت‌های اقتصادی در بازارهای مالی - که امروزه شبکه بانکی قسمت عمده‌ای از این بازار اعتباری را بر عهده دارد - دقت در مانده مطالبات غیرجاری بانک‌ها، ضرورت شناخت ابعاد ریسک و ابزارهای مدیریت ریسک را روشن و نمایان می‌سازد.

در این مقاله پس از بررسی تحقیقات انجام شده پیرامون انواع ریسک و نحوه مدیریت صحیح آن، راهکارهایی که می‌تواند علاوه بر انطباق با قواعد اسلامی، در تحقق برنامه عملیاتی، افزایش سودآوری و ارتقای بانکداری اسلامی موثر باشد، مورد پیشنهاد واقع می‌شود. تنوع بخشی در محصولات اعتباری، لزوم طراحی ابزارهای مهندسی مالی هماهنگ با اقتصاد اسلامی با دعوت از محققان، پرهیز از اطلاعات نامتقارن، تثبیت مقررات مالی در نظام اقتصادی و توسعه سامانه‌های کشف خطا، از اهم موارد پیشنهادی بوده که همراهی همه ارکان ذیربط اقتصادی (اجرایی و نظارتی) و تاسیس محاکم قضایی متخلفان اقتصادی در سراسر کشور برای کاهش نوسانات بی‌رویه و امنیت بازگشت سرمایه در راس هرم آن قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: بانکداری اسلامی، تامین مالی اسلامی، ریسک، مدیریت ریسک.

طبقه بندی JEL: D81, G11, G12

مبحث ریسک مطلوب و نحوه مدیریت آن در نظام بانکداری — به عنوان بخش اصلی چرخه تامین مالی فعالیت‌های اقتصادی — امروزه در تمام نظام‌های مالی و اقتصادی اهمیت فراوانی یافته است. ماهیت عملیات بانکداری، پذیرش ریسک است که بدون پذیرش ریسک نمی‌توان انتظار سودآوری و رشد را داشت و این نکته نیز در مقتضیات عقود اسلامی مورد تاکید بوده که در سرمایه‌گذاری و مشارکت، مسئولیت‌پذیری سرمایه‌گذار در کنار سرمایه‌پذیر و عامل از مقومات مشارکت‌های مالی است. از طرف دیگر بانک‌ها برای رسیدن به اهداف مدون برنامه عملیاتی خود و کاهش اثرات نامطلوب نوسانات اقتصادی بر بخش تخصیص و تجهیز منابع، می‌بایست ریسک متوجه به خود را مدیریت بهینه نمایند. چرا که در صورت عدم شناخت صحیح و کنترل ریسک‌های مترتبه، مشکلاتی همچون افزایش مطالبات و کاهش سودآوری متوجه نظام بانکداری خواهد شد که به تبع آن چرخه منابع و مصارف بانک دچار خلل و ناکارآمدی می‌شود. تصمیمات مدیریتی با لحاظ مقدار اطلاعات به دست آمده در چهار حالت قابل دسته بندی می‌باشد؛ ابهام (Ambiguity)، عدم اطمینان (Uncertainty)، ریسک و خطر (Risk)، و اطمینان کامل (Certainty). بیشترین تصمیمات تاثیرگذار مدیران در دایره ریسک و خطر قرار می‌گیرد که با مدیریت و کنترل صحیح آن علی‌رغم کمبود اطلاعات کافی و اطمینان کامل در مراحل ابتدایی، ولی در انتهای فعالیت شاهد تحقق سود آن می‌توان بود.

مسلمانان برای سرمایه‌گذاری و تأمین مالی طرح‌های اقتصادی به دنبال استفاده از قراردادهای و ابزارهایی هستند که با فقه و حقوق اسلامی مطابقت داشته باشد. از طرفی و با توجه به تجربیات سایر کشورها، زمانی یک ابزار مالی در بعد اجرایی مقبولیت پیدا می‌کند که از اصول و معیارهای اقتصادی و مالی برخوردار باشد. یکی از برجسته‌ترین ابعاد تخصصی که در طراحی هر ابزار مالی اسلامی باید بدان توجه کرد، ریسک‌های آن ابزار و وسیله معامله می‌باشد. میزان ریسک‌پذیری یک ابزار مالی، قدرت رقابت، بازارپذیری، انعطاف در قیمت‌گذاری و بسیاری از عوامل مهم دیگر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بر این اساس بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف در جذب و مصرف منابع مالی، ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشد. در این سیستم، اصل مهمی — که همان تقسیم سود و زیان ناشی از معاملات و همچنین دوری از بهره یا ربا می‌باشد — این موسسات مالی را از سایر سیستم‌های ربوی مبتنی بر قرض همراه با بهره متمایز نموده است.

بانکداری اسلامی همان اهداف بانکداری متداول دنیا را دنبال می‌کند با این تفاوت که در بانکداری اسلامی، عملیات بانکداری بر اساس فقه معاملات اسلامی صورت می‌گیرد. مهمترین اصل در بانکداری اسلامی — چنانچه بیان شد — تقسیم سود و زیان حاصل از معامله و پرهیز از پرداخت ربا یا همان بهره پول است. شریعت اسلامی تنها ربا (بهره) را حرام اعلام کرد، اما سایر درآمدهای سرمایه‌گذاری مشروع را منع نکرده است. به عبارت دیگر هرگونه پیش شرط برای انتفاع از اصل سرمایه و بدهی ممنوع اعلام شده است. براساس اصول اسلامی شیوه اجرایی و به‌کارگیری سرمایه در یک پروژه و موارد ایجاد شغل از اهمیت ویژه برخوردار است (علم الهدی، سید سجاد، ۱۳۹۷). لذا در نگاه شریعت اسلامی علاوه بر سرمایه که متحمل انواع ریسک خواهد بود، این شیوه و نحوه مدیریت است که منجر به دوری از ریسک

پر خطر و رسیدن به ریسک مطلوب شده و سرمایه را به همراه سود به نتیجه و ثمر می‌رساند. از طرفی دو متغیری که هر مدیر مالی به عنوان داده‌های ابتدایی و اطلاعات اولیه بر آنها متمرکز می‌شود؛ بازده مورد انتظار و ریسک ادراک شده (Percieved Risk) می‌باشد که سرمایه‌گذاران یا مدیران را به تامین یا عدم تامین مالی یک طرح سوق می‌دهد. از میان قواعد فقهی در مالیه اسلامی که بر پایه مباحث ریسک استوار می‌باشند می‌توان به «الخراج بالضمنان» و «من له الغنم فعليه الغرم» اشاره نمود که در ارتباط با پدیده ریسک مورد مذاقه و بحث قرار می‌گیرد و با میزان مسئولیت‌پذیری در برابر بازده یا زیان احتمالی آن سرمایه، ارتباط ذاتی و تنگاتنگ دارد.

بنا بر اصل «تقسیم سود و زیان ناشی از معاملات»، بانکها در شبکه بانکداری اسلامی با ریسک‌های گوناگون مواجه خواهند بود که تنوع و میزان آنها نسبت به مخاطرات موجود در بانکداری ربوی بیشتر می‌نمایند. این مهم بر لزوم توجه به مباحث ریسک در بانکداری اسلامی و تبیین مسیر تاکید دارد. از طرف دیگر و با عنایت به ماهیت متفاوت بانکداری اسلامی و نیز اصول فقهی، حقوقی و اخلاقی حاکم بر آن، مدیریت ریسک با تنگناهای مختلف روبرو می‌باشد. لذا «الگوی مترقی بانکداری اسلامی مشارکت در سود و زیان» پیش‌بینی شده است که البته لازمه آن ورود و اشراف کامل بانک به ریسک‌های مترتبه به فعالیت مورد مشارکت و تبعات آن است. در اینجا آشنایی با سطح مطلوب در انواع ریسک‌ها من جمله ریسک اعتباری و شناخت نحوه صحیح مدیریت مخاطرات می‌تواند گامی در مسیر ارتقای بانکداری اسلامی رایج باشد؛ تا همواره این الگو مورد توجه و کاربرد قرار گیرد.

به بیان دیگر کاهش مواجهه با ریسک در شبکه بانکی اسلامی — که در حال حاضر بزرگترین تامین‌کننده مالی بازار قلمداد می‌گردد — باعث کاهش ریسک در همه سیستم مالی و متعاقب آن؛ رشد اقتصادی را نمایان خواهد ساخت. لذا ارائه الگو و روش‌های صحیح مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی که هم با الزامات فقهی و قوانین اسلامی مطابقت داشته باشد و هم از نظر کارکرد و اجرا، قابلیت عملیاتی شدن داشته باشد، ضروری و حائز اهمیت می‌گردد. مقاله حاضر با بهره از شیوه پژوهش کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتابها و پایگاه‌های اینترنتی معتبر و مقالات موجود، به رشته تحریر در آمده و تلاش دارد ضمن معرفی انواع ریسک‌های موجود در سیستم بانکداری اسلامی، میزان ریسک هر یک از عقود کاربردی در این نظام تامین مالی را مورد کنکاش و بررسی قرار دهد. سوالی که در اینجا مطرح است، آن است که سطح مطلوب ریسک‌ها — من جمله ریسک اعتباری — را چگونه می‌توان تشخیص داد و برای ارتقای بانکداری اسلامی چگونه می‌توان مخاطرات آن را مدیریت نمود؟ لذا پس از مرور پیشینه پژوهش و ادبیات موضوع، با تقسیم عقود اسلامی بر پایه قابلیت بکارگیری آنها در جایگاه ابزارهای مهندسی مالی به معرفی ریسک‌های مهم مربوط به عقود مختلف اسلامی پرداخته می‌شود. و در پایان راهکارهایی برای تشخیص و مدیریت صحیح ریسک در مسیر ارتقای بانکداری اسلامی پیشنهاد می‌گردد.

تعاریف

در جوامع مختلف، تعاریف متعددی از ریسک و مفهوم آن ارائه شده است که وجه مشترک آنها در عدم اطمینان و احتمال وقوع زیان و خسارت در اثر انجام یک فعالیت قرار گرفته است. ریسک در لغت

عبارت است از خطر و اقدام به امری که احتمال خطری در آن باشد (معین، ۱۳۸۷) یا به معنای احتمال مواجهه با خطر، آسیب و کاهش درآمد یا زیان آمده است. و در اصطلاح به معنای انحراف بازده واقعی از بازده مورد انتظار می‌باشد (نیکومرام و دیگران، ۱۳۸۵).

به عبارت دیگر می‌توان ریسک را — بنا به تعریف مارک و گالای — به معنی امکان وقوع یک خسارت یا زیان — اعم از مالی یا غیر مالی — در نتیجه انجام یک فعالیت دانست (Dan Galai & Robert Mark, 2000, p.17). مطابق تعریف یاد شده، می‌توان هر آنچه که موجب عدم تحقق پیش‌بینی‌های آینده می‌گردد را عاملی از مجموعه عوامل ریسک به شمار آورد. همچنین فرهنگ لانگمن، ریسک را احتمال وقوع چیزی بد یا نامطلوب و یا احتمال وقوع خطر معرفی نموده است. و ریسک را از نظر یک بانکدار به معنی عدم قطعیت در رابطه با یک اتفاق می‌داند (Rose, 1999, p.170). گاه به دلیل عدم موفقیت در تهیه کالا یا خدمات، طرف مقابل نمی‌تواند به تعهدات خود عمل نماید (Brian Coyle, 2000, p.5). لذا در اثر آن خطراتی پیش روی سرمایه و سرمایه گذار قرار می‌گیرد.

بنابراین می‌توان ریسک را — به طور معمول — شانس، احتمال یا عدم اطمینان وقوع نتایج یا خروجی‌ها تعریف نمود. و از آنجا که تغییر همیشه وجود داشته و نیز دامنه آن روز به روز در حال گسترش است، لذا ریسک نیز همواره وجود دارد و روز به روز بر اهمیت شناخت و مدیریت آن افزوده می‌گردد. ریسک در بانک‌ها ممکن است در اثر تغییر و نوسان شاخص‌های اقتصادی و مالی مانند سطح قیمت‌ها، نرخ ارز، و سایر عوامل باشد یا به جهت وجود عدم اطمینان در مورد مسائل غیراقتصادی و غیرمالی همانند نیروی انسانی و یا قوانین و اموری از این دست پدیدار گردد. ریسک‌های موجود در بانکداری هم می‌تواند جنبه زیان (ریسک منفی) و هم جنبه سود (ریسک مثبت) داشته باشد. که تنها با تعریف و شناخت صحیح از انواع ریسک‌ها و مخاطرات پیرامون فعالیت‌های مالی می‌توان بهترین الگو را برای مدیریت آن ارائه و عملیاتی کرد. تا مسیر تحقق بانکداری اسلامی در این شاخص مهم هموار و میسر گردد.

بانکداری اسلامی

تامین مالی فعالیت‌های اقتصادی اساسی‌ترین بخش اقتصاد امروزی در سراسر جهان است که بانک‌ها در آن نقش مهم را بر عهده دارند. چرا که بانک، موسسه‌ای است که عملیات جاری آن، جذب سپرده از عموم و اعطای وام به متقاضیان است (نظرپور و دیگران، ۱۳۹۸). با گسترش صنعت بانکداری در جهان و ورود آن به کشورهای اسلامی، حاکمان، سرمایه‌گذاران، صنعتگران و بانکداران از طرفی مزیت‌های فراوان بانک را — به عنوان واسطه تجمیع سرمایه‌های کلان و تزریق به بنگاه‌های اقتصادی کوچک — مشاهده می‌کردند که موجبات توسعه جامعه اسلامی را در پی خواهد داشت و از طرف دیگر مشکل ممنوعیت ربا آنها را برای استفاده از این پدیده محدود می‌نمود بر این اساس برای حل آن دست به دامن فقها شدند. در این مرحله می‌توان دانشمندان و علماء را به دو گروه تقسیم نمود: گروهی که با پذیرش نظام سرمایه‌داری و بانکداری ربوی در صدد طرح برداشتی نو از ربا و بازتعریف آن برآمدند تا دست جامعه از مزایای این پدیده کوتاه نگردد و با معاملات بانکی نیز سازگار باشد. در عین حال گروه دوم ضمن پذیرش اصل پدیده بانک، در صدد برآمدند با بازتعریف عقود اسلامی و شرایط سرمایه‌گذاری و مخاطرات آن،

معاملات بانک را براساس آموزه‌های اسلام طراحی نمایند که بانکداری بدون ربا نتیجه این تلاش‌ها بود (موسویان، ۱۳۸۵).

در این دوران نقش شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر به‌عنوان فقیهی نواندیش بسیار حائز اهمیت است. ایشان ضمن اذعان به نقش بانک‌ها در تجهیز سرمایه‌ها و پس‌اندازهای راکد و تبدیل آن‌ها به سرمایه‌های مفید و مولد، تصریح دارند که بانک ربوی براساس سپرده‌گذاری و وام دهی با بهره (ربا) است که فقه و حقوق اسلامی بر تحریم آن تاکید دارد. قطعاً با شناخت صحیح ماهیت عقود اسلامی می‌توان در افزایش بهره‌وری سرمایه‌های تجمیع شده در بانک همراه با دوری از مخاطرات احتمالی قدم برداشت.

ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

مطالعات و تحقیقات متفاوتی پیرامون موضوع ریسک و نحوه مدیریت آن در نظام‌های مالی — از زوایای مختلف — صورت گرفته که بررسی آنها در غنای محتوا و رسیدن به راهکارهای عملیاتی معا ضدت می‌نماید. تا بتوان شرایط تصمیم‌گیری صحیح در وضعیت عدم اطمینان در نظام مالی اسلامی را هموارتر نمود.

علی احمدی و همکاران (۱۳۹۵) "تأثیر ریسک اعتباری بر عملکرد نظام بانکی ایران" را در پژوهش خود مورد بررسی قرار داده و پس از اشاره به اینکه بانک‌ها در حال حاضر به عنوان تامین‌کننده اصلی در بازار سرمایه به شمار می‌آیند، و با توجه به اهمیت میزان تاثیرگذار ریسک به بررسی تأثیر ریسک اعتباری بر عملکرد نظام بانکی کشور و همچنین مقایسه‌ی ریسک اعتباری در بانک‌های دولتی و خصوصی طی دوره‌ی زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۳ پرداخته‌اند. برای این منظور از روش خودرگرسیون برداری داده‌های پانل و اطلاعات ۱۵ بانک استفاده شده است. نتایج نشان داد تکانه‌ای به اندازه یک انحراف معیار در ریسک اعتباری منجر می‌شود نقدینگی بانک‌ها، بازده دارایی‌ها و سودآوری بانک‌ها کاهش یابد. براساس نتایج؛ در بلندمدت ریسک اعتباری چندان نقشی در تعیین سودآوری بانک‌ها ندارد، اما نقدینگی و بازده دارایی بانک‌ها در بلندمدت به صورت قابل توجهی تحت تأثیر ریسک اعتباری قرار دارند.

خان و احمد (۲۰۰۱) در تحقیق خود پیرامون مدیریت ریسک در صنعت مالیه اسلامی، ریسک اعتباری را به عنوان چهارمین ریسک مهم و مورد توجه بانکداران اسلامی رتبه‌بندی نموده و مورد توجه قرار داده‌اند. در این تحقیق نظر بانکداران اسلامی در مورد میزان تاثیر هر نوع قرارداد در ایجاد ریسک اعتباری مورد پرسش واقع شد. براساس نتایج تحقیق، ریسک اعتباری در قرارداد مباحه کمترین مقدار (۲/۵۶) و در مشارکت بیشترین مقدار (۳/۶۹) را در پاسخ به همراه داشت. به نظر می‌رسد که روش‌های تامین مالی مشارکت در سود، از نظر بانکداران، دارای ریسک اعتباری بیشتر و بالاتری می‌باشد (نقل قول از موحدمنش و همکاران، ۱۳۹۳). ریسک اعتباری در روش‌های تامین مالی مشارکت در صورتی ایجاد می‌شود که طرف مقابل از پرداخت سهم بانک — به دلایل مختلف — اعراض نماید.

کدخدایی (۱۳۷۹) در پژوهش «پدیده ریسک در بانکداری اسلامی» و انواع ریسک‌هایی که بانک‌ها با آنها مواجه هستند به دو نوع سیستماتیک و غیرسیستماتیک اشاره می‌نماید. وی معتقد است ریسک سیستماتیک از راه عامل‌های بازاری و ریسک غیرسیستماتیک از راه عامل‌های غیربازاری پدید می‌آید و از آنجا که عامل‌های بازاری خارج از کنترل به شمار می‌آیند، بنابراین، مدیریت ریسک در ریسک‌های غیرسیستماتیک قابل اعمال می‌باشد. از نگاه نویسنده، نظام تأمین مالی حاکم بر بانکداری اسلامی از خصوصیات سرمایه‌داری برخوردار است لذا بانکداری اسلامی در معرض مخاطراتی مانند ریسک عدم بازپرداخت، نقدینگی، اخلاقی، نوسانات متغیرهای اقتصادی و مقررات قرار دارد.

مهدوی (۱۳۷۶) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی و تحلیل نحوه اعطای تسهیلات در نظام بانکی، با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای به ارزیابی عملکرد بانک‌های تخصصی، تجاری و مرکزی در بازه زمانی ۱۳۶۶-۱۳۷۵ پرداخته و بر اساس نتایج حاصله از این تحقیق بیان میدارد که: همواره عملکرد بانک‌ها در پرداخت تسهیلات به بخش‌های اقتصادی، بالاتر از سقف‌های تعیین شده (مصوب شورای پول و اعتبار) می‌باشد و بهره‌گیری از ابزارهای سیاست‌های پولی در تعیین میزان و نحوه اعطای تسهیلات کارایی پایینی داشته است. همچنین بیشتر فعالیت و مراودات بانکی روی بخش‌های اقتصادی متمرکز شده که بازدهی بیشتری دارند. تا بدانجا که در طول این دهه شبکه بانکی بیشتر تمایل داشته در بخش‌های خدمات و بازرگانی سرمایه‌گذاری نماید. محقق دلیل این امر را بالا بودن نرخ سود در بخش بازرگانی و خدمات و کوتاه بودن دوره بازپرداخت تسهیلات — به طوریکه بعد از مدت کوتاهی تسهیلات با سود تسویه می‌گردد — بر می‌شمرد. البته پرداخت تسهیلات کوتاه‌مدت همیشه برای بانک‌ها مطلوبیت بیشتری داشته هم از جهت برگشت سریع سرمایه و حفظ ارزش پول جهت به چرخه درآوردن آن و هم از جهت اینکه مشتری اعتباری از زمان ارزیابی فاصله زیادی نگرفته و احتمال ترتب ریسک‌های اعتباری جدید کاهش می‌یابد ولی در تسهیلات بلندمدت مشتری در معرض ریسک‌های مختلف من جمله نوسانات قیمت، ممکن است از برگشت سود و یا حتی اصل تسهیلات اخذ شده ناتوان بماند.

شوال پور و اشعری (۱۳۹۲) در مقاله خود به بررسی تأثیر ریسک اعتباری بر سودآوری بانک‌ها در ایران پرداخته‌اند. آنها برای اندازه‌گیری ریسک اعتباری از نسبت‌های تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات و ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل تسهیلات استفاده نموده‌اند. علاوه بر آن سودآوری را با استفاده از دو نسبت بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام مورد اندازه‌گیری قرار داده‌اند. نمونه مورد پژوهش شامل ۱۵ بانک و مؤسسه اعتباری تحت نظارت بانک مرکزی طی دوره زمانی ۸۲ تا ۸۸ می‌باشد. نتایج پژوهش چنین بیان می‌دارد که: بین ریسک اعتباری و سودآوری بانک‌ها رابطه منفی معناداری برقرار است. این رابطه را می‌توان اینگونه بیان داشت که با افزایش ریسک اعتباری، هزینه بانک‌ها افزایش می‌یابد، در نتیجه سودآوری آنها روند نزولی به خود می‌گیرد.

موحدمنش، بابایی سمیرمی و فروغی اسعد (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری (با رویکرد عقود اسلامی)؛ مطالعه موسسه مالی و اعتباری ثامن الائمه استاد اردبیل" چنین بیان می‌دارند که مدیریت ریسک اعتباری همواره از مسائل پیش روی بانک‌ها بوده است. لذا شناسایی صحیح عوامل مؤثر بر سنجش اعتبار مشتری و اهلیت سنجی دقیق هنگام اعطای تسهیلات، تأثیر بسزایی

در موفقیت هر موسسه مالی و اعتباری دارد. در این نوشتار عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری با تاکید بر بررسی جایگاه عقود اسلامی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. بر این اساس از مدل لاجیت جهت پیش‌بینی ریسک اعتباری و عوامل مؤثر بر آن استفاده شده است. با بررسی اطلاعات موجود از پرونده ۵۰۰ مشتری اعتباری مؤسسه مالی و اعتباری ثامن الائمه استان اردبیل، مبلغ اصل وام، فاصله اقساط، مبلغ سود، نرخ سود، جنسیت، نوع عقود وام گیرنده و نوع وثیقه به عنوان متغیرهای مستقل و ریسک اعتباری به عنوان متغیر وابسته انتخاب گردیده است. پس از تخمین مدل، مشخص می‌شود که تمامی متغیرها تأثیر معناداری بر ریسک اعتباری مؤسسه مالی و اعتباری مورد مطالعه دارند.

عقیلی کرمانی (۱۳۸۱) در مقاله خود تحت عنوان: مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا، چهار نوع ریسک موجود در بازارهای مالی از جمله؛ ریسک‌های بازار، اعتباری، نقدینگی و عملیاتی را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده پس از بررسی ریسک‌های مطرح شده چنین نتیجه‌گیری می‌کند که با توجه به ثبت دارایی‌ها در بانکداری بدون ربا تحت عنوان سرمایه‌گذاری، بین بانکداری سنتی و بانکداری بدون ربا، فقط ریسک اعتباری مورد تفاوت می‌باشد. به همین جهت در بانکداری بدون ربا از نظر مدیریت ریسک تنها برای ریسک اعتباری باید راهکارهای متفاوتی از بانکداری سنتی ارائه نمود. ایشان برای این مساله دو راهکار ارائه می‌نماید. اول پرداخت تسهیلات به روش استقراض یعنی حرکت به سمت بانکداری سنتی و در پیشنهاد بعد عمل کردن به صورت شرکت‌های سرمایه‌گذاری را مطرح می‌نماید. سپس به علت عدم امکان تشکیل یک سبد دارایی کارا برای بانک‌ها، حرکت به سمت بانکداری سنتی را ترجیح می‌دهد.

شعبانی و عادل رستخیز (۱۳۹۱) در تحقیق خود تحت عنوان "تحلیل تطبیقی ریسک در بانکداری متعارف و بانکداری بدون ربا در قالب عقود اسلامی" چنین بیان می‌دارند که بانک‌ها به‌عنوان بزرگ‌ترین واسطه‌های مالی، تجهیز و تخصیص منابع را که فعالیت اصلی آن‌هاست، انجام می‌دهند. این فعالیت به‌صورت طبیعی بانک را با ریسک‌هایی مواجه می‌کند، بنابراین بانک‌ها از راه‌های گوناگون در صدد پیشگیری یا انتقال ریسک‌ها بوده و یا در پی اقدامات بازدارنده هستند. بانک‌های اسلامی نیز به‌عنوان جایگزین بانک‌های متعارف در کشورهای اسلامی، با ریسک‌های متداول بانکداری مواجه هستند. با توجه به تحولات جدید در صنعت بانکداری و استقبال از بانکداری اسلامی در مقابل بانکداری ربوی با این فرض که بانکداری اسلامی متفاوت از بانکداری سنتی است و اینکه این تفاوت ناشی از وجود یک سیستم حقوقی به نام عقود اسلامی می‌باشد، لازم می‌آید نظارت حاکم بر آن مورد توجه بیشتر واقع شود و متناسب با ساز و کارهای آن به محاسبه ریسک و تمییز قائل شدن بین عقود اسلامی پرداخته شود. در این نوشتار، ابتدا مبانی نظری ریسک و مدیریت انواع ریسک در بانکداری بدون ربا بر اساس روش‌های مختلف تجهیز و تخصیص منابع بررسی شده و سپس با استفاده از یک آزمون آماری، فرضیه‌های پژوهش مورد واکاوی قرار می‌گیرد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که ریسک‌های بانکداری سنتی و ریسک‌های بانکداری اسلامی ایران جز دو مورد ریسک نقدینگی و ریسک عملیاتی با یکدیگر تفاوت فاحش و معناداری ندارند.

با عنایت به مطالب مورد اشاره و مطالعات صورت گرفته که برخی جوانب مختلف مساله ریسک را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند، این مقاله به بررسی و شناخت سطح ریسک مطلوب در نظام بانکداری و نحوه مدیریت صحیح آن در مسیر ارتقای بانکداری اسلامی می‌پردازد.

فوائد و مخاطرات حضور فعال بانکداری اسلامی در بخش واقعی بازارهای مالی

از عمده موارد متمایز کننده سیستم بانکداری اسلامی از سایر نظامات بانکداری آن است که بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف، سهم بیشتری از ریسک ناشی از فعالیت‌های اقتصادی را متحمل می‌شود. چرا که در نظام بانکداری متعارف، سهم بیشتر ریسک به گیرنده تسهیلات منتقل می‌گردد. البته این مطلب موجب رجحان و برتری بانکداری متعارف نسبت به بانکداری اسلامی نخواهد بود چرا که در اثر افزایش سهم ریسک واحد اقتصادی در برابر کاهش ریسک بانک ربوی ممکن است فعالیت آن واحد متوقف شود. علاوه بر آن، کاهش سهم ریسک بانک بر اساس موازین اقتصادی مستلزم کاهش سهم درآمد — حتی در بانک‌های ربوی — نیز خواهد بود (مهدوی نجم‌آبادی، ۱۳۸۱). حضور بانک‌های اسلامی در مراحل مختلف اجرای طرح در کنار گیرنده تسهیلات و مجری طرح علاوه بر جلوگیری از تخلفات احتمالی و خروج تسهیلات از مسیر پیش‌بینی شده می‌تواند به تحقق سود مورد انتظار و بلکه بیش از آن و تسریع در زمان اتمام پروژه منتهی شود. در اینصورت بازپرداخت تسهیلات نیز به تبع آن در سررسید مقرر و شاید قبل از آن انجام می‌پذیرد. صرفاً تمرکز بر مقوله وثیقه معتبر و انتقال ریسک به تسهیلات گیرنده باعث کاهش ریسک و نفی تبعات آن نخواهد بود.

بانکهای اسلامی با حضور در بازار پول و سرمایه و سایر بخش‌هایی که در قالب بازارهای مالی تعریف می‌گردند وارد فعالیت‌های اقتصادی شده و موجب گردیده تا بانکداری از سیستم مبتنی بر بهره و کسب بازده بدون اینکه الزاما در اقتصاد واقعی دخالت نماید، به سیستمی که با تامین سرمایه مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی کوچک و بزرگ بر دخالت مستقیم و غیر مستقیم در اقتصاد واقعی استوار باشد. از جمله مزایای مهم این حضور در اقتصاد اسلامی را می‌توان به تناسب حجم پول در گردش با حجم کالاها و خدمات و چرخه فعالیت‌های اقتصادی مرتبط دانست که با عمل دقیق به مقررات آن و اعمال نظارت صحیح، دامنه تغییرات نوسان‌های اقتصادی را کاهش داد و با کاهش عمق رکودها و ممانعت از رونق‌های کاذب، موجبات ثبات اقتصادی را در بازارهای اسلامی فراهم آورد.

اقسام ریسک

بررسی ریسک به عنوان یک پدیده می‌تواند از زوایای مختلف مورد تحلیل قرار گیرد تا آثار هر یک از بررسی‌ها و نتایج آن در شناخت ابعاد و نگاه بهتر به این پدیده، تصمیم‌گیران را راهنما باشد.

ریسک قابل کنترل و ریسک غیر قابل کنترل

ریسکی که بتوان آن را با واکنش صحیح، کنترل و یا تحت تاثیر قرارداد؛ ریسک قابل کنترل (Controllable or responsive risk) می‌باشد و در مقابل ریسک غیر قابل

کنترل (Uncontrollable risk or chance) قرار دارد که هدایت و کنترل آن از عهده تصمیم گیران خارج می‌شود.

از جمله سایر دسته‌بندی‌هایی که برای پدیده ریسک می‌توان بر شمرد؛ ریسک مولد و غیرمولد، ریسک مالی و غیرمالی و ریسک مفید و غیرمفید می‌باشد که مطالعه در ابعاد آن و شناخت بیشتر در ارائه تصمیم بهتر و ارائه الگوی صحیح کارگر خواهد بود. بر اساس آموزه‌های اقتصاد اسلامی می‌توان تحمل ریسک مولد و ریسک مفید را در راستای تحقق ارزش افزوده و رونق بازار کسب و کار معتبر دانست.

ریسک‌های پرکاربرد در فعالیت‌های مالی

در نظام‌های مالی بالاخص نظام بانکداری، بانک‌ها به دلیل ماهیت فعالیت خود با انواع مختلفی از ریسک مانند ریسک اعتباری، ریسک بازار، ریسک عملیاتی، ریسک نقدینگی، ریسک نرخ بهره و ریسک حقوقی مواجه هستند و مدیران موفق در این مجموعه‌ها سعی دارند این ریسک‌ها را شناسایی و مدیریت نمایند تا خود را از بانک‌های پر ریسک جدا و سود بیشتری در بازارهای رقابتی کسب کنند؛ بر این اساس به تدریج و با گسترده‌گی و گوناگونی فعالیت بانک‌ها، مبحث مدیریت ریسک به منزله یکی از مباحث مدیریت در تصمیم‌گیری‌های کلان و بلندمدت و نیز در مدیریت روزمره فعالیت‌های بانکی کانون توجه مدیران و مجریان خط مشی اعتباری و مطالباتی مجموعه‌های مالی قرار گرفت. مدیریت جامع و هماهنگ این ریسک‌ها، به‌ویژه ریسک اعتباری این اطمینان را فراهم می‌نماید که با توجه به ظرفیت سنجی اعتباری صورت گرفته، اهلیت مشتری بانک مورد تایید واقع شده و با توجه به توان بازپرداخت مشتریان، مطالبات مالی از اشخاص حقیقی و حقوقی وصول خواهد شد (رستمی، ۱۳۹۷). در صورت عدم توجه موسسات مالی به اهلیت اعتباری مشتریان و مدیریت مطلوب ریسک، علاوه بر عدم تحقق سود پیش بینی شده و مورد انتظار (Anticipatory Profit)، شعب آن بانک یا موسسه تبدیل به شعب زیان‌ده می‌شوند. در اینجا با توجه به اهمیت شناخت انواع ریسک، برخی از ریسک‌های پرکاربرد در فعالیت‌های مالی مورد تعریف و بررسی قرار می‌گیرد:

ریسک استراتژیک؛ این دسته از ریسک‌ها بیشترین تاثیر را بر روی تصمیمات استراتژیک هر سازمان یا موسسه مالی دارند و یا متعاقب و متأثر از آن تصمیمات ایجاد شده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت که این ریسک نسبت به دیگر ریسک‌ها، عمیق‌تر و گسترده‌تر بر عملکرد جاری و آینده آن سازمان یا موسسه مالی تاثیرگذار خواهد بود. تغییرات شدید در مولفه‌های بازار، واکنش‌های پیش‌بینی نشده رقبای استراتژی یک بانک یا موسسه مالی، نوآوری‌های تکنولوژیک، توهم تمایز کیفی یا قیمتی خدمات و محصولات اعتباری، پیروی صرف از روند بازار و دیگران و تکیه بر تحلیل‌های ناکافی از عواملی است که استراتژی‌های تدوین شده در سازمان را با چالش ریسک‌پذیری مواجه می‌سازد.

ریسک اعتباری؛ چنانچه خطر و ریسک، سود سرمایه‌ای که در اختیار مشتریان و فعالان اقتصادی قرار می‌گیرد را مورد تهدید قرار دهد و اشخاص یا شرکت‌ها قادر به انجام تعهدهای مالی فیما بین خود و

بانک نباشند، ریسک اعتباری محقق می‌گردد. ریسک اعتباری رایج‌ترین منبع ریسک در بانکداری اسلامی و سنتی می‌باشد و البته مهمترین علت ورشکستگی این بانکها به شمار می‌آید (El Tiby, 2011). می‌توان این ریسک را شامل ریسک‌های انجام معاملات بر اساس ترتیب مورد نیاز آنها، اطلاعات جمع‌آوری شده، اجرای صحیح قراردادها و آیین نامه‌ها و ریسک نیروی انسانی دانست، که در اثر عدم ایفای تعهدات در سررسید مقرر به وسیله طرف مقابل قرارداد به وجود می‌آید. لذا سود واقعی تا حد زیادی به موفقیت متقاضی و فعال اقتصادی در بخش‌های حیطه فعالیت بستگی دارد.

بر اساس قراردادهای مورد استفاده در بانکداری اسلامی، می‌توان به دو نوع ریسک متفاوت از ریسک اعتباری اشاره داشت که می‌بایست برای مدیریت آن برنامه‌ریزی مقتضی صورت گیرد. اول؛ ریسک اعتباری موجود در عقود مبادله‌ای که در پی ناطمینانی در پرداخت اصل و سود حاصل از دریافت تسهیلات به طور کامل و در موعد مقرر توسط تسهیلات گیرنده پدیدار می‌گردد. دوم؛ ریسک اعتباری که به علت مساله اطلاعات نامتقارن در عقود مشارکتی فراهم می‌شود.

به بیان دیگر در این عقود، بانک به علت عدم تمایز در تشخیص ویژگی‌های اعتباری، سوددهی طرح و فعالیت اقتصادی از یک طرف و مشکلات مراحل اجرایی و بهره‌برداری از طرف دیگر، با ریسک ناشی از انتخاب بد (selection advance) و مخاطره اخلاقی روبرو خواهد شد. لهذا با توجه به ویژگی عقود مشارکتی - سهام بودن بانک در زیان و مخاطرات ناشی از فعالیت اقتصادی با تسهیلات گیرنده و سخت و پیچیده بودن تشخیص و ارزیابی دقیق متقاضی و طرح پیشنهادی - ریسک اعتباری این قراردادها در مقایسه با عقود مبادله‌ای بیشتر خواهد بود (حسنی مقدم و ابوالحسنی، ۱۳۸۷).

با عنایت به آراء صادره محاکم قضایی و قوانین مرتبط در حوزه فعالیت‌های اقتصادی اسلامی؛ کنارگیری بانک - به عنوان شریک تجاری - در صورت شکست طرح و پروژه یا ورشکست شدن مدیون به راحتی امکان‌پذیر و قابل اثبات نمی‌باشد. به همین دلیل تشخیص درست و ارزیابی دقیق در بررسی ریسک اعتباری اهمیت دوچندان می‌یابد. تشخیص میزان واقعی ریسک اعتباری گیرنده تسهیلات یا طرف تجاری می‌تواند امکان مخاطره و بدگزینی را به حداقل ممکن کاهش دهد. البته این تشخیص نیازمند اطلاعات جامع و زیادی است که از روش‌های مختلف من جمله ارزش‌گذاری وثیقه‌ها و ضامنین می‌توان بهره‌مند شد. قطعاً استفاده از اطلاعات جامع می‌تواند ریسک‌های بالقوه نهفته در عملکرد اعتباری مشتریان را از طریق رتبه‌بندی صحیح تسهیلات گیرنده شناسایی نماید و اطلاعات خروجی آن را به منظور کاهش ریسک، در مدیریت پرداخت مصارف اعمال نمود.

از جمله عوامل تأثیرگذار بر روی ریسک اعتباری - به عنوان اصلی‌ترین نوع ریسک در شبکه بانکی و یکی از عوامل تأثیرگذار بر سودآوری بانکها - می‌توان از؛ جنسیت، سن، تحصیلات، زمینه فعالیت، وضعیت اجرای طرح، نوع مالکیت محل فعالیت، سوابق مهارتی، وضعیت اقتصادی، منطقه محل سکونت، نحوه ارتباط با بانک یا صندوق تامین مالی، میزان وام دریافتی، نوع وثیقه، و ارزش وثیقه، نام برد که بررسی دقیق و نظارت مستمر برای تعیین احتمال نکول مشتری مورد توجه مدیران بانک و تصمیم‌گیرندگان قرار می‌گیرد.

ریسک بازار؛ این ریسک مربوط به زیان‌های اقلام داخل و خارج از ترازنامه است که در اثر نوسانات قیمت‌های بازار شکل می‌گیرد. در حال حاضر اصول حسابداری باعث شده‌اند تا این ریسک‌ها در فعالیت‌های تجاری موسسات مالی بیشتر بروز یابند. چه اینکه شامل اقلام بدهی و دارایی‌ها باشند و چه مربوط به معاملات ارزی و یا وضعیت مواد و کالاهای مختلف باشند. تغییرات نرخ بهره، نرخ ارز، قیمت کالا یا سهام، همگی تحت عنوان ریسک بازار تلقی می‌گردند. که ممکن است در محصولات اعتباری من جمله اوراق بهادار یا سایر ابزارهای متنوع که جهت اهداف معاملاتی یا سرمایه‌گذاری به کار گرفته می‌شوند، وجود داشته باشد.

ریسک اعتماد؛ در نظام بانکداری اسلامی از مهمترین مسائل و مخاطراتی که تجهیز منابع بانکی را تهدید می‌کند، کاهش اعتماد مردم و سپرده‌گذاران می‌باشد. عدم توانایی بانک‌ها در طراحی و به‌کارگیری قراردادهای و عقود متنوع مالی طبق قانون‌های اسلامی باعث عدم اطمینان سپرده‌گذاران و مشتریان به شبکه بانکی می‌گردد. به بیان دیگر صوری شدن عقدها باعث کاهش اطمینان مردم به شبکه بانکی و نظام بانکداری اسلامی شده و به تبع آن موجب برداشت منابع توسط سپرده‌گذارانی که به قانون و مقررات اسلامی پایبند هستند، منتهی می‌شود (احمد و خان، ۲۰۰۱). از طرف دیگر، یک بانک اسلامی جهت پرداخت نرخ بازده مناسب و ترغیب‌کننده به دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری تحت فشار است، زیرا این نرخ باید به گونه‌ای باشد که انگیزه کافی برای سپرده‌گذاران جهت حفظ و ارتقاء سپرده‌هایشان در بانک‌ها را ایجاد نماید. اکنون چنانچه این نرخ بالاتر از نرخ قابل پرداخت به قراردادهای سرمایه‌گذاری باشد، در این صورت ممکن است بانک از برخی منافع خود جهت حفظ منافع سهامداران چشم‌پوشی نماید. لذا کوتاهی و مسامحه در این امر و عدم مدیریت صحیح می‌تواند منجر به خروج سپرده‌ها از بانک‌ها شود که به دنبال آن موقعیت تجاری و رقابتی بانک با خطر روبرو خواهد کرد. در نتیجه ریسک کاهش سپرده و تبعات منفی ناشی از آن در عملکرد بانک‌ها نمایان می‌گردد.

ریسک نقدینگی؛ عدم اطمینان در مورد ترتیب تأمین تسهیلات و پرداخت به موقع دیون بانک را شامل می‌شود. به عبارتی عدم توانایی بانک در ایفای تعهدات سررسید شده بدون اثرگذاری معکوس بر وضعیت مالی بانک به‌شمار می‌آید.

با توجه به ممنوعیت و حرمت ربا در قوانین اسلامی، نظام بانکداری بدون ربا اجازه استقراض وجوه نقد از راه بهره را ندارد. به همین دلیل یکی از عواملی که باعث افزایش ریسک نقدینگی می‌گردد، ناتوانی بانک در تأمین و کسب وجوه نقد با صرف هزینه قابل قبول از راه استقراض است که در نظام بانکی مذکور الزاما باید از روش‌های دیگری استفاده نمود (محرابی و ندری، ۱۳۹۷).

از جمله راه‌حل‌های پیشنهادی برای مقابله با ریسک نقدینگی آن است که بانک‌ها میزان نقدینگی کوتاه‌مدت را در حدی نگاه دارند که بتوانند به تعهدات خود عمل کرده و ریسک نقدینگی را در حد امکان کاهش دهند. همچنین بانک‌ها با افزایش سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت، توان ارائه تسهیلات خود را کاهش می‌دهند، که این مساله، خود باعث کاهش میزان دارایی‌های درآمدزای بانک‌ها می‌گردد.

افزایش همزمان این دو جزء باعث افزایش محرومیت بانکها از سپر مالیاتی و دارایی‌های درآمدزا خواهد شد، که در نهایت منجر به افزایش ریسک نقدینگی می‌شود (پندار و ویسی، ۱۳۹۹).

معمولاً ریسک نقدینگی در هر بانک یک ویژگی و پدیده منحصر به فرد در همان بانک است که از این منظر قابل ملاحظه و بررسی بهتر می‌باشد لیکن در برخی مقاطع با مشکلات نقدینگی سرسری نظام مالی همراه می‌شود. بانکها همواره ارزیابی دقیقی از میزان ورودی و خروجی نقدینگی در آینده را مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهند تا ریسک نقدینگی به حداقل ممکن کاهش یابد. هرچه این برآوردها دقیق‌تر باشد مدیریت ریسک بهتری در آن قابل اعمال خواهد بود.

ریسک عملیاتی؛ که شامل ریسک موجود در پرداخت تسهیلات، خرید و فروش و معاملات و همچنین زیان ناشی از بی‌اعتبار شدن بانک یا موسسه مالی به دلیل سوء مدیریت می‌باشد، ممکن است از جهات مختلف ایجاد و موجب خسارت به بانک گردد که مستلزم شناسایی راه‌های گوناگون و متناسب با هر آسیب برای کاهش ریسک و مدیریت آن خواهد بود. علی‌هذا به‌کارگیری سامانه‌های بروز و اثربخش جهت اخذ گزارشات و استعلامات خطای کاربران جهت کشف خطا یا تقلب برای کاهش ریسک کارکنان و بانک لازم و ضروری می‌باشد.

ریسک قانونی و حقوقی؛ در بانکداری اسلامی، ریسک قانونی بسیار حائز اهمیت بوده که از دلایل متفاوتی ناشی می‌گردد. اولاً بسیاری از کشورها چهارچوب حقوق عرفی یا قانون مدنی را پذیرفته‌اند، اما سیستم قانونی آنها، قوانین مخصوص حمایت از فعالیت‌های مالی اسلامی و بانکداری اسلامی را ندارد، مثلاً در حالیکه عمده فعالیت بانکداری اسلامی بصورت داد و ستد (مرباحه) و سرمایه‌گذاری (مشارکت و مضاربه) انجام می‌شود، خیلی از قوانین کنونی بانکها و مقررات در بسیاری از حوزه‌های قضایی مانع می‌شود بانک‌های بازرگانی مسئولیت فعالیت‌های خود را تقبل نمایند.

ثانیاً، غیر استاندارد بودن قراردادها باعث می‌شود، در کل روند مذاکرات، جنبه‌های مختلف معامله مشکل‌تر و پرهزینه‌تر شود. موسسات مالی نمی‌توانند ریسک را پیش‌بینی کنند و یا خود را در برابر آن محافظت کنند. در اینجا به‌کارگیری قراردادهای استاندارد، نظارت و اجرای معامله را آسان‌تر می‌کند. در نهایت عدم وجود دادگاه‌های اسلامی می‌تواند ریسک قانونی قراردادهای اسلامی را افزایش دهد. یعنی این ریسک زمانی مطرح می‌شود که یک معامله از نظر قانونی قابل انجام نباشد (علم‌الهدی، ۱۳۹۷). اینکه قراردادهای بانکی فاقد حمایت قضایی باشند یا اینکه دادگاه‌های تخصصی جهت رسیدگی به پرونده‌های مالی و بانکی وجود نداشته باشد خلا بزرگی است که برخی سودجویان در حال استفاده از آن هستند. امروزه برخی وکلا به‌جای اقناع موکل خود به بازپرداخت تسهیلات، به دنبال راهی برای تشکیک در پرونده‌های مطالباتی و اخذ رای به بطلان قراردادها می‌نمایند. اینکه برخی محاکم به‌جای بررسی صحت و سقم مدعیان و شکستگی که خود با مصرف تسهیلات در غیر محل خود، موجب تلف شدن اموال بانکها و جامعه شده‌اند و امروز آنها هستند که باید محکوم به استرداد مال و به‌دلیل تخلف از مفاد قرارداد به‌عنوان اخلال‌گر اقتصادی معرفی شوند بعوضاً خود را تولیدکننده معرفی و از مزایای استثمالات بنگاه‌های تولیدی استفاده می‌کنند. که این امر نیازمند بررسی جامع و هماهنگی میان بانک مرکزی، محاکم

دادگستری و نهادهای متولی مربوطه در هر کشور است تا با آسیب‌شناسی دقیق بتوان راه را بر سودجویان بست و فعالان حقیقی بخش‌های مهم اقتصادی و معسران را یاری نمود. و این نکته نیز توسط داوران حقوقی و قضایی نباید مغفول بماند که دعوای حقوقی و ورود به پرونده‌های مطالباتی مشتریان بانک از جهات گوناگون دارای زوایایی فراتر از حرفه بانکداری است که مساعدت و همدلی سایر قوا را برای کاهش ریسک اقتصادی در کشور طلب می‌نماید.

ریسک پرتفوی؛ برای محاسبه این ریسک، عواملی چند را باید در آن دخیل دانست. مانده در خطر اندازه یا سهمی از پرتفوی که در معرض قصور (عدم ایفای تعهدات) طرف قرارداد است. میزانی که احتمال قصور گیرندگان تسهیلات و طرف‌های قرارداد پرتفوی با یکدیگر از نظر آماری همبسته هستند به عنوان همبستگی قصور شناخته می‌شود. همبستگی عامل اصلی نبود قطعیت و ریسک در مدل سازی ریسک اعتباری پرتفوی است. مدیریت پرتفوی ریسک اعتباری به طور مجزا و بدون درک تاثیر کامل همبستگی روی پرتفوی، قابل انجام نیست. در نظر گرفتن عوامل ریسک به صورت متغیر تصادفی، این امکان را برای بانک یا سرمایه‌گذار فراهم می‌نماید که با قبول سطح خاصی از عدم قطعیت، میزان ریسک پرتفوی خود را برآورد نماید.

کارکرد قراردادهای اسلامی در مدیریت ریسک

قراردادهایی که در بانکداری اسلامی مورد توجه و کاربرد قرار می‌گیرند می‌بایست علاوه بر حفظ کارکردهای سایر عقود مورد استفاده در بانکداری متعارف از منظر بازدهی قابل قبول، از آن جهت که بانکداری اسلامی - به‌عنوان بخشی از مفهوم وسیع اقتصاد اسلامی - سیستم ارزشی و اخلاقی را با ساختار اقتصادی ترکیب می‌نماید و ابزار یا عقود را مورد استفاده قرار می‌دهد که جامعه را در مسیر عمل به آموزه‌های اقتصادی اسلام هدایت نماید، مطابقت یابد نه صرف به خدمت گرفتن ابزاری که با پیروی از مکاتب مادی‌گرا در بانکداری متعارف مورد استفاده باشد. بر اساس اصول اخلاقی و اعتقادی، الگویی از بانکداری می‌تواند مطرح باشد که در آن سیستم، شبکه بانکداری اسلامی برای تأمین مالی از روشها و ابزارهایی استفاده نماید که با اصول اسلامی سازگار باشد و از عواملی که بر مبنای اصول و قواعد حرام و غیر شرعی باشد دوری نماید (مثلا در معاملات خود، به سود و زیان هردو گروه سهامداران بانکها و مؤسسات مالی و مشتریان توجه نماید). بانکداری اسلامی، مدیریت ریسک ویژه‌ای طلب می‌کند که نیازمند شناسایی و اولویت‌بندی صحیح و اصولی قراردادهاست تا ماهیت خود را از نظام‌های غیر اسلامی اقتصادی متمایز نماید.

مهمترین عقود مالی پرکاربرد در بانکداری اسلامی

مجموعه عقود و قراردادهایی که در بانکداری اسلامی مورد توجه و کاربرد قرار می‌گیرد را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم‌بندی نمود؛

الف - عقود مبادله‌ای؛ عقودی با بازدهی ثابت می‌باشند که نرخ سود تسهیلات در اکثر آنها نرخ ثابتی قرار می‌گیرد و عقود مرابحه، فروش اقساطی، جعاله و اجاره به شرط تملیک جزء این عقود به شمار می‌آیند. از جمله ریسک‌هایی که این دسته از عقود را دنبال می‌کند «ریسک عدم تعدیل» می‌باشد. با توجه به عدم امکان تعدیل نرخ سود و قیمت در این قراردادها، در صورت بروز تورم و افزایش ناگهانی قیمت‌ها این امر موجب کاهش ارزش مطالبه‌های قابل دریافت برای بانک خواهد شد (حسنی مقدم و ابوالحسنی، ۱۳۸۷) لذا با برگشت سود مورد انتظار با کمتر از ارزش واقعی، ریسک عدم تعدیل افزایش می‌یابد.

مرابحه (فروش همراه با سود): مرابحه بمعنی توافق دوطرفه برای سود یک معامله است. در واقع قراردادی است که براساس آن فروشنده هزینه و سود مورد انتظار خود را اعلام می‌کند. بانکداری اسلامی این نوع قرارداد را به‌عنوان یکی از تکنیک‌های کاری خود مورد تایید و استعمال قرار داده است. در این معامله مشتری از بانک درخواست می‌کند که یک کالای مشخص را برای وی خریداری کند و بانک با اعلام میزان سود علاوه بر هزینه خرید به مشتری این کار را انجام می‌دهد.

جعاله: آنچه در جعاله در برابر انجام کار معین قابل پرداخت است؛ اجرت (جعل) معین توسط شخص حقیقی یا حقوقی متعهد می‌باشد. در قانون عملیات بانکداری بدون ربا و در ماده ۱۶ آمده که بانک‌ها می‌توانند جهت گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی از این عقد بهره لازم را در پرداخت مصارف خود ببرند. این عقد با توجه به برخی مقتضیات خاص که در چارچوب فقهی برای آن دیده شده، متوجه برخی ریسک‌ها و مخاطرات خواهد بود.

خرید دین: مطابق این قرارداد بانک‌ها اسناد مدت‌دار را بعد از احراز واقعی بودن و با عنایت به درخواست مشتری، خریداری یا تنزیل می‌نمایند. مهمترین ریسکی که در عمل به این قرارداد، سودآوری بانک‌ها را به مخاطره می‌اندازد «ریسک اعتباری» می‌باشد. از آنجا که خرید دین به عنوان ابزاری برای خرید و فروش بدهی، طراحی و عملیاتی شده است لهذا عدم پرداخت به موقع و کامل بدهی توسط مدیون ریسک اعتباری بانک را افزایش می‌دهد (حسنی مقدم و ابوالحسنی، ۱۳۸۷) و در نهایت سودآوری بانک را نیز به مخاطره می‌اندازد.

استصناع (سفارش ساخت): استصناع یک توافق خرید و فروش می‌باشد که در آن فروشنده، ساخت یک کالا طبق مشخصات تعیین شده در قرارداد را متعهد می‌گردد. استصناع معمولاً شامل کالاهایی است که بنا به یک سفارش خاص ساخته می‌شوند. روش پرداخت طبق توافق دو طرف در قرارداد می‌تواند انعطاف پذیر باشد.

ب - عقود مشارکتی؛ در این نوع از عقود، بانک، کل یا بخشی از سرمایه و اعتبارات مورد نیاز یک فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری یا خدماتی) را تأمین می‌نماید و در پایان کار، مطابق قرارداد فی‌مابین با طرف دیگر قرارداد، سود حاصل از این فعالیت را تقسیم می‌نماید. عقود مشارکتی شامل انواع مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، شرکت و سرمایه‌گذاری مستقیم می‌شود. معمولاً در این قراردادها به دلیل

اطلاعات نامتقارن (Asymmetric Information) و عدم پرداخت به موقع و کامل سهم سود بانک توسط مضارب یا شریک باعث ایجاد «ریسک اعتباری» می‌گردد. ریسک اعتباری مهمترین ریسک و مخاطره پیرامون عقود مشارکتی می‌باشد.

مضاربه: مضاربه را شراکت در استفاده از منابع مالی دانسته‌اند که یک طرف، مسئول تامین سرمایه و طرف دیگر وظیفه انجام کار، تخصص و مدیریت را عهده‌دار می‌گردد. در صورتی که منفعتی به دست آید هر دو طرف در آن شریک هستند و بر اساس توافق قبلی بین طرفین تقسیم می‌گردد و چنانچه هرگونه زیانی به بار آید تنها متوجه تامین‌کننده سرمایه می‌شود. در بانکداری اسلامی تمام سرمایه توسط بانک پرداخت شده و اجرای تجارت و مدیریت آن به عهده طرف مقابل قرار می‌گیرد. به موجب ماده ۱۲ دستورالعمل اجرایی مضاربه، بانک‌ها موظف هستند برای جبران خسارت وارده بر اصل سرمایه ضمن عقد صلح موضوع ماده هشتم دستورالعمل اجرایی، از عامل تعهد کافی دریافت کنند.

در بانکداری متعارف به علت اینکه نرخ سود تسهیلات اعطایی ثابت است، در موردهای زیان یا عدم کسب نرخ بازده برابر یا بزرگتر از نرخ سود تسهیلات اعطایی، احتمال عدم بازپرداخت افزایش می‌یابد. اما در الگوی بانکداری اسلامی در عقدهای مشارکتی مانند: مضاربه — که سهم سود بانک با توجه به شرایط بازدهی، به صورت شناور و غیر قطعی تعیین می‌شود — تسهیلات‌گیرنده در بازپرداخت مطالبه‌های عدم منفعت خود کمتر تحت فشار قرار می‌گیرد. با این فرض، ریسک اعتباری در عقد مضاربه نسبت به وام‌های ربوی کمتر است. اما در صورتی که بانک‌ها، ساختار خود را مطابق با الگوی بانکداری اسلامی تغییر ندهند نمی‌توان انتظار داشت که عقد مضاربه با لحاظ تمام جوانب و آثار و به دور از ریسک‌های پر مخاطره آن محقق گردد.

مشارکت: بر مبنای رابطه مشارکت، یک قرارداد همکاری تجاری دوطرفه منعقد می‌شود تا سود و زیان حاصل از انجام کار بین طرفین قرارداد تقسیم گردد. که در نظام بانکداری اسلامی، بانک‌ها سرمایه مورد نیاز را برای فعالیت تامین می‌کنند، این سرمایه با سرمایه طرف قرارداد (سهم‌الشرکه) ترکیب می‌گردد. در اینجا حق هر دو طرف جهت مدیریت فعالیت مورد مشارکت فراهم می‌باشد. در این عقد سود به دست آمده بر اساس توافق قبلی قابل تقسیم می‌باشد. اعطای تسهیلات مشارکت مدنی در شبکه بانکی تنها در صورتی مجاز است که نتیجه بررسی‌های انجام شده از تأمین سود مورد انتظار بانک حاکی باشد. ریسک اعتباری در مشارکت مدنی در صورتی که سازوکارهای نظارتی به خوبی عمل نمایند کاهش می‌یابد، اگرچه همانند مضاربه منتفی نیست.

دسته بندی دیگر ریسک از منظر منشا عملیاتی

ریسک‌های موجود در بانکداری اسلامی را می‌توان از زاویه مطابقت با ضوابط شرعی بدین‌گونه تقسیم‌بندی نمود:

الف. منشا برخی ریسک‌ها از عملیاتی است که به جهت ماهیت، تابع قوانین و موازین فقه اسلامی نمی‌باشد ولی این عملیات در هر دو محیط (بانکداری اسلامی و غیر اسلامی) بصورت یکسان انجام می‌پذیرد.

مصادیق ریسک در دسته الف بیشتر از جمله مصادیق ریسک‌های ناشی از فعالیت‌های عملیاتی بوده که در اصطلاح به آنها ریسک عملیاتی گفته می‌شود. به دلیل عدم تعارض این دسته از فعالیت‌ها با موازین شرعی، کاربرد این عملیات در هر دو محیط بانکداری یکسان است. ریسک‌های نقل و انتقال وجوه، حواله وجه از محلی به محل دیگر، وصول چک از این دست ریسک‌ها تلقی می‌گردند. نحوه تعامل با این ریسک‌ها از بانکداری سنتی قابل تسری به بانکداری اسلامی می‌باشد.

ب. منشا برخی دیگر از ریسک‌ها، عملیاتی است که به جهت ماهیت، تابع قوانین و موازین فقه اسلامی می‌باشد ولی این عملیات در هر دو محیط (بانکداری اسلامی و غیر اسلامی) بصورت یکسان انجام می‌پذیرد.

تسهیلات مربوط به اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم بانک، نمونه‌هایی از این دسته هستند که ریسک و نحوه مدیریت آن را در هر دو محیط مشابه می‌نمایاند.

ج. منشا برخی دیگر از ریسک‌ها، عملیاتی است که به جهت ماهیت تابع قوانین و موازین فقه اسلامی می‌باشد لذا این عملیات فقط در محیط بانکداری اسلامی انجام می‌پذیرد.

از آنجا که این موارد از ریسک تنها در نظام بانکداری اسلامی امکان وقوع دارد و قبلاً توسط محققان بانکداری متعارف بررسی نشده است، تدقیق در شناخت فعالیت‌های مرتبط با این ریسک مستلزم مطالعه و تحقیق بیشتر جهت نیل به روش صحیح مدیریت آن می‌باشد (مهدوی نجم آبادی، ۱۳۸۱). شناخت جامع و درک درست از ماهیت قوانین و مقررات فقهی در نظام مالی و اقتصادی اسلامی می‌تواند در استنباط روش‌های کاربردی و کارآمدی نظام بانکداری اسلامی راهگشا باشد.

این گروه‌بندی باعث آن می‌شود که تحلیل ریسک و مدیریت آن از منظر اسلامی، آسانتر و روانتر باشد. تا با استفاده از موازین فقهی، روش‌های منطقی و کاربردی در پیشگیری و کنترل ریسک در کلیه موارد پیشنهاد گردد.

تفاوت توزیع ریسک در بانکداری اسلامی و بانکداری سنتی

از جمله تفاوت‌های مهم بانکداری ربوی و بانکداری اسلامی در این نکته نهفته است که تامین مالی و بازخورد آن برای فعالیت‌های اقتصادی توسط دو نظام یاد شده کاملاً متفاوت می‌باشد. که در پی آن هر دو بخش تجهیز و تخصیص بانک‌ها متاثر خواهد بود. این تفاوت‌ها موجب می‌شوند که ریسک فعالیت‌های بانکی در هر دو نظام به صورتی متفاوت بین سپرده‌گذاران و تسهیلات گیرندگان توزیع شود. در بانکداری ربوی، ریسک مصرف منابع مستقل از ریسک تجهیز منابع خواهد بود، در حالیکه در

بانکداری اسلامی، ریسک مصرف و تجهیز منابع عمدتاً به هم وابسته است. در نتیجه توزیع ریسک در این دو سیستم متفاوت می‌باشد.

نگرش حاکم بر نظام بانکداری اسلامی نسبت به موضوع ریسک با رعایت جوانب احتیاط می‌باشد به گونه‌ای که انعقاد قرارداد را با نااطمینانی‌های بیش از اندازه جایز نمی‌داند و آنها را به سمت تسهیم ریسک هدایت و تشویق می‌نماید. یعنی ریسک حاصل سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف، می‌بایست بین سرمایه‌گذاران و سرمایه‌پذیران (فعالان اقتصادی) تقسیم گردد (Siddiqi, 2008). در بانکداری اسلامی کسب سود حلال در گرو ارتباط سرمایه با ریسک تجاری می‌باشد (Parashar & Venkatesh, 2010). بر این اساس در اقتصاد اسلامی می‌توان طرفین را ملزم به لحاظ خطرات ریسک‌های پیرامون قراردادها - بالاخص در عقود مشارکتی - دانست تا ریسک متوجه یک طرف قرارداد نگردد.

اهمیت نسبت مطالبات غیرجاری بانکی به کل تسهیلات اعطایی (NPL) و تاثیر پذیری آن از میزان ریسک

نسبت مطالبات غیرجاری بانکی به تسهیلات پرداخت شده در نظام بانکداری، نشان‌دهنده میزان ریسک بانک‌ها در اعطای تسهیلات می‌باشد و یکی از معیارهای سنجش سلامت هر بانک به شمار می‌آید؛ لذا هرچه این رقم کاهش یابد، توان و کارایی بانک‌ها در تأمین منابع مالی مورد تقاضا بهتر خواهد بود. در طرف مقابل، کارشناسان بانکی، افزایش رقم این نسبت را علامت هشدار برای نظام بانکی می‌دانند که حتی در بلندمدت بر رشد اقتصادی تأثیرات منفی نیز برجای خواهد گذاشت و فعالیت‌های کلیدی از جمله چرخه تولید را دچار اختلال خواهد کرد. در حال حاضر رقم انتظاری براساس استانداردها و عرف بین‌المللی باید بین ۲ تا ۵ درصد تسهیلات پرداخت شده باشد (رستمی، ۱۳۹۷) و مطالبات پرداخت نشده بیش از ۵ درصد مجموع تسهیلات اعطایی، ریسک پرخطر محسوب می‌شود که از دامنه سطح مطلوب ریسک خارج خواهد بود.

مرور تحقیقات داخلی و خارجی بیانگر این مطلب است که: بین ریسک اعتباری و شاخص‌های سودآوری بانک‌ها عمدتاً ارتباط منفی برقرار است. البته باید اشاره داشت که در ایران و از سال ۱۳۸۸، به دنبال طبقه‌بندی مطالبات و تصویب آیین‌نامه وصول مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول مؤسسه‌های اعتباری «بانک‌ها و مؤسسات اعتباری» موظف شدند قراردادهای اعطای تسهیلات بانکی را به گونه‌ای تنظیم نمایند که وجه التزام تأخیر تأدیه، برای تمامی تسهیلات ریالی و ارزی از تاریخ سررسید و نسبت به مانده بدهی، علاوه بر نرخ سود بخش اقتصادی مورد نظر به صورت شروط ضمن عقد تعیین و اخذ گردد (شوال پور و اشعری، ۱۳۹۲). اعمال بازدارنده‌های مختلف در جلوگیری از مطالباتی شدن تسهیلات اعطایی می‌تواند تأثیری مثبت بر افزایش سودآوری بانک‌ها و کاهش ریسک اعتباری داشته باشد.

طبقه‌بندی مطالبات مطابق آیین‌نامه وصول مطالبات در سال‌های اخیر علاوه بر تاثیرگذاری در شفافیت مانده ارقام مطالباتی بانک‌ها و میزان شکنندگی آن، لزوم برنامه‌ریزی برای وصول مطالبات مشکوک‌الوصول و با ریسک بالا را در نحوه مدیریت ریسک در بانکداری، هدفمند ساخته است. این طبقات عبارتند از:

الف. طبقه جاری؛ به تسهیلاتی گفته می‌شود که بازپرداخت اقساط آنها در سررسید انجام شده یا حداکثر از سررسید آنها ۲ ماه گذشته است.

ب. طبقه سررسیدگذشته: از تاریخ سررسید اصل و سود تسهیلات یا تاریخ قطع بازپرداخت اقساط بیش از ۲ ماه گذشته باشد، در عین حال تأخیر در بازپرداخت هنوز از ۶ ماه بیشتر نشده است.

ج. طبقه معوق: در این طبقه اقلامی قرار می‌گیرند که بیش از ۶ ماه و کمتر از ۱۸ ماه از تاریخ سررسید یا تاریخ قطع بازپرداخت اقساط آنها سپری شده و مشتری هنوز اقدامی برای بازپرداخت مطالبات خود به عمل نیاورده است.

د. طبقه مشکوک‌الوصول: اصل و سود تسهیلاتی را شامل می‌شود که بیش از هجده ماه از سررسید یا تاریخ قطع پرداخت اقساط آنها سپری شده ولی مشتری هنوز اقدام به بازپرداخت بدهی خود نکرده است. به مجموع تسهیلات سررسیدگذشته، معوق و مشکوک‌الوصول، «تسهیلات غیرجاری» گفته می‌شود و نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی همواره از مهم‌ترین معیارهایی بوده که در نظام بانکداری برای اندازه‌گیری ریسک اعتباری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول

براساس استانداردهای موجود، زمانی که یک دارایی بانک در طبقه غیرجاری قرار بگیرد، بانک نه تنها نمی‌تواند سود متعلقه به آن مطالبات را در درآمد خود منظور نماید، بلکه ملزم به آن است که بخشی از درآمد جاری خود را برای پوشش زیان ناشی از وصول نشدن کامل مطالبات خود با عنوان ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول کنار بگذارد (شوال پور و اشعری، ۱۳۹۲). ذخیره‌گیری به نسبت‌های مختلف از مطالبات ایجاد می‌کند، نگرش به مقوله ریسک و نحوه مدیریت آن در سال‌های اخیر را تحت تاثیر قرار داده و موجب تحول در نگاه به میزان ریسک متقاضیان تسهیلات از طرفی و تسریع در وصول مطالبات از طرف دیگر شده است.

رشد درآمدهای دولتی من جمله نرخ رشد درآمد نفتی ارتباط معنی‌دار و منفی با نسبت تسهیلات غیر جاری به تسهیلات اعطایی بانکها (NPL) دارد. وقتی درآمد دولت افزایش یابد قدرت دولت در حمایت از بنگاه‌های اقتصادی از جمله شبکه بانکی افزایش پیدا می‌کند و از طرف دیگر استقراض دولت از بانک و تعداد تسهیلات تکلیفی بانک‌ها — که بخش قابل توجهی از مطالبات را به خود اختصاص می‌دهد — کاهش می‌یابد و در مجموع فشار انتظارات و تکالیف، کمتر به سمت صنعت بانکی سرازیر می‌شود. آنگاه می‌توان از بانک‌ها انتظار داشت تا فارغ از تکالیف اجباری، خود به کارشناسی طرح‌ها پرداخته و مدیریت صحیحی نسبت به ریسک و مخاطرات پیش رو مصروف دارند.

خروج از چالش‌های پر ریسک در بانکداری اسلامی

در مسیر تحقق برنامه عملیاتی بانک‌های اسلامی، ریسک، از جمله چالش‌های اساسی جهت افزایش پرداخت مصارف و رسیدن به سودآوری کم خطر می‌باشد. با عنایت به حضور ریسک‌های متعدد در بازارهای مالی و لزوم استفاده از عقود اسلامی در نظام بانکداری بدون ربا از تکنیک‌های مختلفی برای مدیریت ریسک می‌توان بهره لازم را اخذ نمود تا ضمن سازگاری قراردادها با اصول شریعت، قابلیت اجرایی نیز داشته باشند. بر همین اساس برخی از راهکارها و ابزارهای خروج از چالش ریسک و چالش‌های پر ریسک در میان شاخص‌های ارتقاء بانکداری اسلامی را به شرح ذیل می‌توان پیشنهاد نمود.

— مدیریت ریسک در نظام سرمایه‌داری همواره از ابزارهای مهندسی مالی خود تحت مفاهیم ابزارهای مالکیتی، بدهی، مشتقه و ترکیبی بهره می‌گیرد لیکن در اقتصادهای اسلامی با ورود قوانین اسلامی در عملکرد بانک‌ها و بازارهای مالی، استفاده از ابزارهای مهندسی مالی هماهنگ با این چارچوب و در قالب عقود اسلامی الزام جدی و نقش راهبردی به همراه داشت. مسلماً ترکیبی از این روش‌ها همواره می‌تواند بهترین نوع مدیریت ریسک را به دنبال بیاورد. برای تحقق این مهم لزوم سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از محققان این عرصه در مراکز علمی و دعوت از آنان برای ارائه طرح‌های با قابلیت اجرایی و حائز شرایط یاد شده ضروری می‌باشد.

— بانک‌ها می‌توانند با تنوع بخشی (Diversify) در سرمایه‌گذاریها و ارائه محصولات اعتباری متناسب با نیاز مشتریان و جامعه و تقویت پرتفوی خود، قدم در مسیر کاهش ریسک پرتفوی بگذارند. تا با توزیع سرمایه در سبد طرح‌های مختلف، در صورتی که به گروهی از آنها آسیب وارد شود، سایر سرمایه‌گذاریها محفوظ مانده و جبران آسیب وارده را نمایند.

— باز تعریف ضمانت و تقویت سایر سازمان‌های مرتبط با وصول مطالبات از طریق اعمال نقش حمایتی می‌تواند تاثیر بسزایی در کاهش ریسک از طرفی و تسریع در وصول مطالبات معوق را از طرف دیگر داشته باشد. این بازتعریف در کنار حمایت سازمان‌ها در مقید نمودن اشخاص به انجام تکالیف قانونی و تعهدات مالی نزد بانک‌ها قطعاً می‌تواند بیشتر از اهرم بازدارندگی «وثیقه» به بانکداری اسلامی در کاهش ریسک کمک نماید و راهگشا باشد.

صورت‌های مختلف ابزار و وثایق قابل اخذ از مشتری را می‌توان به وثیقه نقدی، وثیقه ملکی، اخذ سفته، ضامن کارمند، ضامن کاسب، یا ترکیبی از آنها تقسیم‌بندی نمود. لیکن نکته مورد اهمیت آن است که در تمام صور مورد اشاره می‌بایست قانون و قانونگذار در کنار بانک‌ها — و برای کاهش ریسک در نظام اقتصادی اسلامی — نقش مسئولیت‌آوری هر یک از صور فوق را برجسته سازد. به بیان شفاف‌تر؛ در صورت اثبات پرداخت تسهیلات به وام‌گیرنده — توسط کارشناسان خبره بانکی و حقوقی — نسبت به رفع نواقص احتمالی، همکاری لازم صورت گیرد. این مساله که برخی مدیونین با همکاری تعدادی از وکلا راه‌های نکول و عدم پرداخت تسهیلات را با شگردهای مختلف در دوره‌ها و کارگاه‌های حقوقی آموزش ببینند می‌بایست مورد توجه و بازنگری قرار گیرد تا به راحتی مستندات اقامه دعوی و وصول طلب بانک‌ها

باطل نگردد و میزان ریسک اعتباری بانک‌های اسلامی افزایش نیابد. چراکه به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم بیت المال و عموم صاحبان سرمایه در کنار بانک‌ها متضرر خواهند شد.

- لزوم آموزش حرفه‌ای بانکداران در تشخیص طرق و حیل بکار رفته توسط برخی مشتریان بدحساب که در آینده، بانک را متوجه ضرر و زیان ناخواسسته خواهد نمود. با توجه به توسعه روز افزون دانش بانکداری و گستردگی دامنه عملیات بانکی، ضرورت توجه به دانش حقوقی بانکداران می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

- بانک، قائم مقام و وکیل سپرده‌های مردم است حال اگر به‌دلیل پیچیدگی و خطای متصدی دچار قصور در برخی امور گردید و مدیریت صحیح را در شناخت و اعمال ریسک اعتباری مطلوب به خدمت نگرفت، آیا می‌توان رای به فسخ یا بطلان قراردادها نمود و با این کار نسبت مطالبات غیر جاری بانک‌ها را افزایش داد؟ در اینصورت دست بانک از هر ابزاری برای وصول طلب خود خالی خواهد ماند و این امر تنها مورد استقبال بدهکاران بدحساب شبکه بانکی واقع خواهد شد همانها که می‌بایست ضرر و زیان وارده به سپرده‌های عموم را جبران نمایند، همانها که تسهیلات را از بانک اخذ و بجای مصرف در محل خود (مثلاً طرح‌های تولیدی یا صنعتی) به بازارهای واسطه‌گری تزریق کرده و تورم را افزایش داده‌اند، همانها که هزینه اعتبارات را متوجه مخاطره و ریسک‌های متعدد نموده‌اند. قطعاً با همراهی میان محاکم عادلانه و شبکه بانکداری اسلامی می‌توان شاهد کاهش ریسک اعتباری و افزایش ظرفیت اعتباری و گشایش اقتصادی در سطح وسیع بود. ایجاد اطمینان برای بانک‌ها در همراهی ارگان‌های دادخواهی، می‌تواند عامل مهمی در کاهش حساسیت بانک و متصدیان بانکی در اخذ وثایق باشد. به عبارت دیگر هنگام اعطای تسهیلات، کارمند بانک مطمئن خواهد بود که قوانین و نهادهای حاکم او را در وصول طلب همراهی خواهند نمود لهذا سخت‌گیری در هنگام اخذ وثیقه و تحمیل تکالیف مالایطاق به مشتریان و فعالان اقتصادی صورت نمی‌گیرد در طرف مقابل نیز اگر احساس یک‌صدایی بانک و نهادهای وصول مطالبات - اعم از دولتی و غیر دولتی - به گوش بدهکار شنیده شود خود را در بازپرداخت تسهیلات ملزم و پایبندتر خواهد دانست. بر این اساس تاسیس محاکم ویژه دعاوی بانکی که در آنها قضات و کارشناسان متخصص امر می‌توانند با اخذ تخصص لازم در این زمینه به بررسی دقیق پرونده‌ها و صدور آراء - با لحاظ نحوه مدیریت ریسک اعتباری و امکان قصور یا تعدی طرفین - پردازند پیشنهاد می‌گردد.

- ایجاد دسترس به شبکه اطلاعاتی از طریق نرم‌افزارهای جامع برای بررسی دقیق ظرفیت اعتباری مشتریان. در این شبکه می‌توان از اطلاعات نهادهای متولی دارایی‌ها و اموال منقول و غیرمنقول اشخاص و شرکت‌ها بهره برد که این امر می‌تواند - با نظارت بانک مرکزی - اقدامی موثر برای کاهش ریسک و وصول مطالبات معوق باشد. از طرف دیگر سامانه‌های الکترونیکی و درگاه‌های متعدد برای اخذ گزارش استعلامات و اعتبارسنجی جهت بررسی اهلیت و ظرفیت ریسک اعتباری مشتریان موجب طولانی و ملال‌آور شدن اعطای تسهیلات و در نهایت کاهش رغبت متصدیان و کارشناسان بانکی به پرداخت بیشتر مصارف گردد.

- پرهیز از اطلاعات نامتقارن در انتخاب سبد سرمایه‌گذاری از جمله راهکارهای مدیریت در کاهش شدت ریسک اعتباری می‌باشد. از آنجایی که برگزیدن سبد دارایی با کیفیت مناسب به انتخاب پروژه‌های

مناسب بستگی دارد، بنابراین مدیریت ریسک اعتباری ارتباط نزدیکی با به حداقل رسانیدن این گونه مسائل اطلاعاتی می‌یابد که ساختارهای عملیاتی و راهبردهای نهادهای مالی نحوه از بین بردن مشکلات ناشی از عدم تقارن‌های اطلاعاتی را معین و مشخص می‌نماید.

— توسعه سامانه‌های هوشمند کشف خطا یا تقلب در عملکرد متصدیان می‌تواند بازدارندگی بالایی در جلوگیری از اشتباهات و محاسبات به شمار آید. عدم رعایت کنترل‌های لازمه در ریسک اعتباری — خواه به دلیل عدم بهره‌گیری از دانش مدیریت و آموزش ناکافی متصدیان و کارشناسان شبکه بانکی و خواه به دلیل تخلفات عامدانه در تخطی و سرپیچی از مقررات آمره برای نیل به مطامع شخصی و خلاف اهداف سازمان — قطعاً به زیان یا ورشکستگی بانک‌ها منجر می‌گردد. علی‌هذا بکارگیری سامانه‌های بروز و اثربخش جهت اخذ گزارشات و استعلامات خطای کاربران جهت کشف خطا یا تقلب به عنوان یک اهرم بازدارنده در کاهش ریسک ناشی از خطای کارکنان و بانک لازم و ضروری می‌باشد.

— تثبیت مقررات مالی در نظام اقتصادی و به تبع آن در شبکه بانکداری در بلندمدت از نوسات بی‌رویه و افزایش ریسک جلوگیری خواهد نمود. همچنین اصلاح حرکت کلان اقتصادی با تعیین مشوق‌های لازم توسط حکومت‌های اسلامی برای جهت‌دهی به رونق بخش‌های ضروری (من جمله؛ تولید، صنعت و کشاورزی) و جلوگیری از افزایش بی‌رویه ورود به بازارهای واسطه‌گری و دلالی می‌تواند به کاهش ریسک اعتباری و مدیریت صحیح آن در بانک‌ها کمک نماید.

— تعدد قوانین، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های شبکه بانکی در معرفی قراردادهای مختلف و صدور اصلاحیه‌های همراه با تغییر آن در مدت زمان کوتاه، در کنار تعریف تسهیلات تکلیفی در قالب قراردادهای جدید و شرایط متفاوت، موجب سردرگمی متصدیان و گاه عدم بررسی دقیق و رعایت ریسک مطلوب می‌گردد. اصلاح این امر مستلزم نگاه جامع به این بخش بوده و می‌توان با تخصصی کردن بانک‌ها یا شعب هر بانک موجب تسریع در پرداخت مصارف و کاهش ریسک اعتباری و هزینه‌های مترتبه آن گردید.

— تحکیم وثایق همواره از جهت اهرم بازدارندگی از نکول برای مدیریت کاهش ریسک در نظام بانکی مورد توجه بوده در حالیکه تنظیم دقیق قراردادها در هنگام اخذ وثایق یا ترهین آنها از اهمیت بیشتری جلوه‌گری می‌نماید. آنجا که برخی محاکم به دلیل ایرادات و نواقص بسیار ظریف، اقدام به صدور رای به بطلان آن قراردادها نمایند. در اینجا مجدداً اهمیت آموزش حرفه‌ای کارشناسان و متصدیان پرداخت تسهیلات ملحوظ نظر قرار می‌گیرد.

— تبیین نقشه راه پیشرفت جوامع اسلامی بدون حضور فعال دولت و حمایت آن میسر نمی‌باشد. گاه برای تامین برخی نیازهای ضروری و اساسی مردم در برخی فعالیت‌ها — مثلاً متأثر از نوسانات قیمت واقع شده — برای فعال اقتصادی به صرفه نباشد که متحمل ریسک بانک و زیان متعاقب آن گردد. در اینجا اگر بانک‌ها صرفاً به مساله ریسک اعتباری مطلوب — فارغ از آثار اجتماعی آن — نظر داشته باشند، تبعات ناخوشایندی در بلندمدت به همراه خواهد داشت. در اینجا دولت می‌تواند پس از بررسی و کارشناسی دقیق، با حمایت‌های لازم در جهت جبران خسارت، وارد عمل شود تا هم بانک‌ها به خود جرات ریسک

ورود به چنین فعالیت‌های عام‌المنفعه را بدهند و هم فعالان اقتصادی. در این میان می‌توان از کارشناسان مجرب دولتی و سایر سیستم‌های نظارتی استفاده کرد که در کاهش ریسک‌های غیرمترقبه و نتیجه‌گیری بهتر در فعالیت‌هایی که جامعه نیاز سریع‌تری در بهره‌گیری از خدمات آن دارد بهره‌جست.

قطعا کنار کشیدن بانک‌های اسلامی با این توجیه که فعالیت‌های حیاتی و زیربنایی مستلزم تحمل ریسک نامطلوب و یا ریسکی بیشتر از بازارهای واسطه‌گری هستند پذیرفته نخواهد بود. اینکه تمام یا بخش بیشتر تامین مالی انجام شده در بانکداری اسلامی به سمت بازارهای غیر مولد تنها به این دلیل سرازیر شود که در آن بازارها ریسک کمتر و یا ریسک مطلوب وجود دارد، صحیح نمی‌باشد. همانگونه که اگر اراده شود تا مشارکت بانک در فعالیت‌های مفید جامعه (من جمله بنگاه‌های اقتصادی مولد) مورد مطالبه قرار گیرد در حالیکه به بانک اجازه بررسی و اظهار نظر در مورد اهلیت متقاضی و یا سطح ریسک فعالیت داده نشود در واقع او را محکوم به ضرر و شکست پروژه و طرحی کرده که با فشارهای غیر کارشناسی و تحمیل نظرات ناصواب راه را به خطا رفته و بانکداری اسلامی را به سمت ورشکستگی سوق داده است.

از آنجا که ریسک مطلوب جزئی لاینفک از تجارت و مشارکت در بازارهای سرمایه به شمار می‌آید، فرار از آن و اینکه تمام زیان‌ها و خسارات را متوجه طرف دیگر قرارداد دانستن قطعاً در بلندمدت موجب تضعیف روح و ماهیت مشارکت خواهد شد که در نتیجه آن انباشت سرمایه با حداقل فعالیت مفید اقتصادی را باید انتظار داشت. لذا همواره تلاش‌های علمی در زمینه‌های فقهی، حقوقی و اقتصادی برای شناخت صحیح ریسک‌های مترتبه و طراحی مدیریت متناسب با ریسک جهت کنترل، کاهش و نهایتاً پیشگیری ریسک غیر مطلوب در بانکداری اسلامی می‌بایست مد نظر قرار گیرد؛ تا فعالان اقتصادی، مدیران و سرمایه‌گذاران جامعه اسلامی بتوانند با شناخت سطح مطلوب ریسک وارد فضای کسب و کار شده و موجب رونق آن گردند.

با بررسی اقسام ریسک، تنها ریسک‌های مولد، مفید و قابل کنترل را می‌توان به عنوان مخاطرات مجاز قلمداد نمود که در راستای اهداف کلان اقتصاد اسلامی قابل تعریف می‌باشند. و تحمل بیشتر چنین ریسک‌هایی را سرچشمه درآمد مجاز بیشتر برای صاحبان سرمایه و مدیران به شمار آورد. مدیریت صحیح ریسک در بانک‌ها به کاهش زیان‌های محتمل ناشی از ریسک فعالیت‌های بانکی منتهی می‌شود که در این صورت زمینه تقویت جایگاه و ارتقای سطح عملکرد بانکداری اسلامی فراهم می‌آید؛ و با حرکت از سوی عدم اطمینان کامل به سوی عدم اطمینان نسبی از میزان ریسک نیز کاسته می‌شود.

بر این اساس بانک‌های اسلامی به دلیل استفاده از الگوی معاملات غیر ربوی و به کارگیری عقود خاص با ریسک‌هایی روبرو می‌شوند که مدیریت صحیح ریسک می‌تواند آن را از تهدید به فرصت مبدل نماید. بانکهای اسلامی با حضور در بازار پول و سرمایه و سایر بخش‌هایی که در قالب بازارهای مالی تعریف می‌گردند وارد فعالیت‌های اقتصادی شده و موجب گردیده تا بانکداری از سیستم مبتنی بر بهره - و کسب بازده بدون اینکه الزاماً در اقتصاد واقعی دخالت نماید - به سیستمی که با تامین سرمایه مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی کوچک و بزرگ بر دخالت مستقیم و غیر مستقیم در اقتصاد واقعی استوار باشد.

در این مقاله پس از بررسی تعاریف و ادبیات موضوع، فوائد و مخاطرات حضور فعال بانکداری اسلامی در بخش واقعی بازارهای مالی مورد واکاوی قرار گرفت که از جمله مزایای مهم این حضور در اقتصاد اسلامی را می‌توان به تناسب حجم پول در گردش با حجم کالاها و خدمات و چرخه فعالیت‌های اقتصادی اشاره داشت که با عمل دقیق به مقررات آن و اعمال نظارت صحیح، دامنه تغییرات نوسان‌های اقتصادی را کاهش داد و با کاهش عمق رکودها و ممانعت از رونق‌های کاذب، موجبات ثبات اقتصادی را در بازارهای اسلامی فراهم آورد. پس از آن به بررسی اقسام ریسک و معرفی ریسک‌های پرکاربرد در فعالیت‌های مالی اشاره شده و کارکرد قراردادهای اسلامی در مدیریت ریسک بیان می‌گردد و مهمترین عقود مالی پرکاربرد در بانکداری اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این تحقیق مشخص گردید برخی ریسک‌ها میان نظام بانکداری اسلامی و سنتی مشترک بوده و با ابزارهای رایج و متعارف مدیریت ریسک قابل کنترل می‌باشند و برخی دیگر به دلیل ویژگی‌های خاص و ماهیت اقتصاد اسلامی، مختص به این نظام بوده که کنترل و مدیریت صحیح آن نیازمند به‌کارگیری ابزارهایی ویژه و همراستا با اصول اسلامی خواهد بود.

در بحث از تفاوت توزیع ریسک در بانکداری اسلامی و سنتی این نکته را به عنوان شاخص متمایز کننده می‌توان مطرح نمود که در بانکداری ربوی، ریسک مصرف منابع مستقل از ریسک تجهیز منابع خواهد بود، در حالیکه در بانکداری اسلامی، ریسک مصرف و تجهیز منابع عمدتاً به هم وابسته است. در نتیجه توزیع ریسک در این دو سیستم متفاوت می‌باشد. پس از بیان اهمیت نسبت مطالبات غیرجاری بانکی به کل تسهیلات اعطایی و تاثیرپذیری از میزان ریسک صورت گرفته و بررسی نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول — که بالاتر از سایر سرفصل‌های مطالباتی می‌باشد — راهکارهایی که می‌تواند علاوه بر انطباق با قواعد اسلامی، در تحقق برنامه عملیاتی، افزایش سودآوری و ارتقای بانکداری اسلامی موثر باشد، مورد پیشنهاد واقع شد. تنوع بخشی در محصولات اعتباری، لزوم طراحی ابزارهای مهندسی مالی هماهنگ با اقتصاد اسلامی با دعوت از محققان، پرهیز از اطلاعات نامتقارن، تثبیت مقررات مالی در نظام اقتصادی، توسعه سامانه‌های کشف خطا، جلوگیری از تعدد دستورالعمل‌ها و قوانین، باز تعریف ضمانت و نقش ضامن در وصول مطالبات و لزوم آموزش حرفه‌ای بانکداران از اهم موارد پیشنهادی بوده که همراهی همه ارکان ذیربط اقتصادی (اجرایی و نظارتی) برای کاهش نوسانات بی‌رویه و امنیت بازگشت سرمایه در راس هرم آن قرار می‌گیرد.

نگاه صحیح به موضوع مدیریت ریسک، به مقامات پولی و مدیران بانک‌ها کمک شایانی می‌نماید؛ بدین صورت که آنها با شناخت انواع ریسک‌ها و عوامل آن، و با توجه به ظرفیت استفاده از عقود اسلامی به عنوان ابزار کنترل و کاهش ریسک، ریسک قابل پیش‌بینی حوزه فعالیت خود را کاهش می‌دهند و ثبات و قدرت رقابت خود را در نظام بانکداری حفظ می‌کنند و دامنه خطر را — با شناخت ریسک‌های پیرامونی — کاهش می‌دهند. همچنین ریسک را زمانی می‌توان مفید دانست که مولد و قابل کنترل باشد تا کسی که ریسک را می‌پذیرد، درآمد و سود بیشتری را کسب نماید.

۱. اداره کل آموزش بانک ملت و شرکت توسعه مدیریت آوارس شرق، دایره المعارف بانکداران، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۲. احمدی، علی؛ احمدی جشفقانی، حسین علی و ابوالحسنی هستیانی، اصغر، تأثیر ریسک اعتباری بر عملکرد نظام بانکی ایران، فصلنامه اقتصاد مالی، شماره ۳۴، ۱۳۹۵.
۳. پندار، مهدی و ویسی، رضا، سنجش انواع ریسک در نظام بانکداری بدون ربا (روش ترکیبی دیمتل و مدل سازی ساختاری تفسیری)، فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۳۹۹.
۴. حسینی مقدم، رفیع و ابوالحسنی، اصغر، بررسی انواع ریسک و روشهای مدیریت آن در نظام بانکداری بدون ربا، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۰، ۱۳۸۷.
۵. رستمی، محمدرضا؛ نبی زاده، احمد و شاهی، زهرا؛ بررسی عوامل موثر بر ریسک اعتباری بانکهای تجاری ایران با تاکید بر عوامل خاص بانکی و کلان اقتصادی، فصلنامه مدیریت دارایی و تامین مالی، شماره ۲۳، ۱۳۹۷.
۶. شوال پور، سعید؛ اشعری، الهام، بررسی تأثیر ریسک اعتباری بر سودآوری بانک ها در ایران، مجله تحقیقات مالی، دوره ۱۵، شماره ۲، ۱۳۹۲.
۷. صادقی شاهدانی، مهدی؛ آقا بابایی، محمدابراهیم، تحلیل مقایسه‌ای ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول، مجله دوفصلنامه تحقیقات مالی، اسلامی، شماره اول، ۱۳۹۰.
۸. عربی، سیدهادی و شاه‌جمالی، مهدیه، رتبه‌بندی ابزارهای مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری بدون ربا با استفاده از تکنیک AHP، فصلنامه علمی اقتصاد بانکداری اسلامی، شماره ۲۸، ۱۳۹۸.
۹. عقیلی کرمانی، پرویز، مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۰. علم الهدی، سید سجاد، بانکداری اسلامی و ریسک، یک تحلیل تطبیقی، فصلنامه اقتصاد مالی، شماره ۴۴، ۱۳۹۷.
۱۱. کاظمی نژاد، فاطمه، تفاوت توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف، بانک و اقتصاد، شماره ۱۰۱، ۱۳۸۸.
۱۲. کدخدایی، حسین، پدیده ریسک در بانکداری اسلامی، مجموعه سخنرانی ها و مقالات یازدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری، ۱۳۷۹.
۱۳. محرابی، لیلا و ندیری، کامران، بررسی انواع ریسک و مدیریت ریسک در نظام بانکداری اسلامی، نشریه راهبرد توسعه، شماره ۵۴، ۱۳۹۷.

۱۴. مصباحی مقدم، غلام‌رضا و صفری، محمد، بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک از دیدگاه آموزه های اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۳۶، ۱۳۸۸.
۱۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات فرهنگ نما، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۶. موحدمنش، صادق علی؛ بابایی سمیرمی، محمدرضا؛ فروغی اسعد، نسترن. بررسی عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری (با رویکرد عقود اسلامی)، مطالعه موسسه مالی و اعتباری ثامن الائمه استاد اردبیل، پژوهش های مالی اسلامی، شماره سوم، ۱۳۹۳.
۱۷. مهدوی، فرید، بررسی و تحلیل نحوه اعطای تسهیلات در نظام بانکی، پایان نامه دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۶.
۱۸. مهدوی نجم آبادی، سیدحسین، تفاوت های اساسی توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و سنتی، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۹. نظرپور، محمدنقی و رضایی، علی؛ مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی با رویکرد بررسی عقود و الگوی پرداخت تسهیلات، دو فصلنامه تحقیقاتی مالی اسلامی، شماره دوم، ۱۳۹۲.
۲۰. نظرپور، محمدنقی، موسویان، سیدعباس و خزائی ایوب، بانکداری اسلامی، ۱۳۹۸، تهران: سمت، چاپ سوم.
۲۱. نیکومرام، هاشم و دیگران، فرهنگ اصطلاحات تخصصی مالی، انتشارات دانشگاه آزاد، چاپ اول، ۱۳۸۵.

- ۱) Brian Coyle (2000) "Framework for Credit Risk Management", Chartered Institute of Bankers.
- ۲) Crouhy, Michel, Dan Galai, and Robert Mark (2001), Risk Management, New York; McGraw Hill.
- ۳) El Tbiy, Amr Mohamed; Islamic Banking How to manage risk & Improve Profitability; Hoboken, New Jersey: John Wiley & Sons, Inc, 2011.
- ۴) Khan, T. and Ahmed, H. (2001), Risk Management: An Analysis of issues in Islamic Financial Industry. Jeddah: Islamic Reserch and Training Insitute (IRTI).
- ۵) Parashar, S. P. & J. Venkatesh (2010), "Haw did Islamic banks do dyring global financial Crisis?", Banks and Bank Systems, Vol 5, Issue 4.
- ۶) Rose Pete S. (1999), Commercial Bank Management 4 th. Edition: McGraw-Hill.
- ۷) Siddiqi, M. N. (2008) "the current financial crisis and Islamic economics" IIUM Journal of Economics & Management, 16 (2), Malaysia: International Islamic University.